

ارزیابی و مقایسه بازده کششی تراکتورهای مسی فرگوسن (MF 285) و یونیورسال (U 650) در اجرای شخم با گاواهن برگردان‌دار

محمد لغوی و احمد ملاصادقی^۱

چکیده

بازده کششی دو نوع تراکتور میان قدرت متداول در ایران، یعنی تراکتورهای مسی فرگوسن ۲۸۵ و یونیورسال ۶۵۰ در عملیات شخم توسط گاواهن برگردان‌دار ارزیابی و مقایسه گردید. آزمون مزرعه‌ای در ایستگاه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز به صورت فاکتوریل در چارچوب طرح بلوک‌های کامل تصادفی، در مزرعه‌ای با بافت خاک لوم‌رسی‌شنی و میانگین رطوبت ۱۸ درصد در عمق صفر تا ۳۰ سانتی‌متری انجام شد. تیمارهای آزمایش شامل سه نوع یا وضعیت تراکتور (یونیورسال ۶۵۰، مسی فرگوسن ۲۸۵ بدون سنگین‌سازی چرخ‌ها و مسی فرگوسن ۲۸۵ با سنگین‌کردن چرخ‌ها توسط آب نمک) و سه سطح عمق شخم سطحی (۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر)، متوسط (۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر) و عمیق (۲۰ تا ۲۵ سانتی‌متر) بود. سرعت اجرای شخم در کلیه تیمارها در حدود چهار کیلومتر در ساعت ثابت نگه داشته شد. پارامترهای مورد اندازه‌گیری و مقایسه شامل نیروی کشش مال‌بندی، مقاومت کششی، درصد لغزش چرخ‌های محرک و بازده کششی تراکتور بود.

نتایج نشان داد که عمده‌ترین اختلاف بین سه نوع یا وضعیت تراکتورها مربوط به لغزش چرخ‌های محرک است، به طوری که میانگین درصد لغزش در سه سطح شخم در مورد تراکتور یونیورسال ۶۵۰ کمترین (۱۲/۶٪) و در تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ بدون سنگین‌سازی چرخ‌ها بیشترین (۲۷٪) بود، که با سنگین‌سازی چرخ‌های محرک به ۱۷/۷ درصد کاهش یافت. هم‌چنین، در حالی که افزایش درصد لغزش تراکتور یونیورسال ۶۵۰ با افزایش عمق شخم شدید نبود (۹/۷٪ به ۱۶/۵٪)، تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ سنگین‌سازی نشده شدیدترین تغییرات را نشان داد (۱۱٪ به ۴۸٪). تجزیه و تحلیل آماری بازده کششی تیمارها نشان داد که تغییر معنی‌داری در بازده کششی تراکتور یونیورسال ۶۵۰ با افزایش عمق شخم حاصل نگردید، و با میانگین بازده ۷۳/۸٪ دارای عملکرد مطلوبی بود، در حالی که بازده کششی تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ سنگین‌سازی نشده، که در شرایط شخم سطحی بیش از ۷۵٪ بود، با افزایش عمق شخم به ۴۶٪ کاهش یافت. سنگین‌سازی چرخ‌های محرک تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ روند نزولی بازده کششی را با افزایش عمق به طور چشم‌گیری بهبود بخشید، و حداقل آن را به حدود ۶۳٪ ارتقا داد. به طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵، چنانچه سنگین‌سازی نگردد، تنها در انجام عملیات خاک‌ورزی سطحی بازده مطلوب دارد، و برای شخم متوسط و عمیق باید از تراکتور یونیورسال ۶۵۰ و یا مسی فرگوسن ۲۸۵ سنگین‌شده استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: بازده کششی، تراکتور، گاواهن برگردان‌دار، لغزش چرخ، مقاومت غلتشی

۱. به ترتیب دانشیار و دانشجوی سابق کارشناسی ارشد ماشین‌های کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز

مقدمه

با رشد روزافزون جمعیت، محدودیت منابع آبی و خاکی، و نیاز فزاینده به افزایش بازده تولید محصولات کشاورزی، نقش و اهمیت مکانیزاسیون کشاورزی به ویژه در کشورهای در حال توسعه ابعاد گسترده تری می یابد. تراکتور به عنوان اصلی ترین منبع در تولید توان مکانیکی در کشاورزی مکانیزه جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص می دهد.

متداول ترین کاربرد تراکتورها در کشاورزی ایران، استفاده از توان مال بندی آنها در اجرای عملیات خاک ورزی و مخصوصاً شخم توسط گاو آهن برگردان دار است. در میان سه روش بهره برداری از توان تراکتور، یعنی توان محور توان دهی، توان هیدرولیکی و توان کششی (مال بندی)، روش سوم متداول ترین، ولی عموماً به علت نامناسب بودن شرایط فیزیکی خاک و یا محدودیت درگیری مناسب چرخ های محرک با خاک، کم بازده ترین آنها می باشد. با توجه به اهمیت بازده کششی به عنوان مهم ترین شاخص استفاده بهینه از انرژی تراکتور، که به صورت نسبت توان مال بندی به توان محوری چرخ های محرک تعریف می شود، ارزیابی و مقایسه آن به روش های تجربی و تحلیلی همواره مورد توجه پژوهندگان بوده است.

نتایج پژوهش های انجام شده گویای اتلاف ۲۰ تا ۵۵ درصد توان انتقال یافته به چرخ های محرک تراکتور و در مرحله تبدیل آن به توان کششی می باشد (۶). هرچند، در یک مورد با استفاده از روشی تجربی-تحلیلی، اتلاف حدود ۷۰ درصد توان محوری در مرحله تبدیل به توان مال بندی تخمین زده شده است (۱۲). بخشی از این انرژی تلف شده صرف متراکم نمودن خاک و تخریب شرایط فیزیکی مناسب آن برای رشد و توسعه ریشه می شود، و نهایتاً ممکن است موجب کاهش عملکرد محصولات کشاورزی گردد (۱۳).

مؤثرترین راه برای بهینه سازی و اصلاح عملکرد کششی تراکتورها ایجاد هماهنگی مناسب بین توان، بار وارد بر چرخ های محرک، سرعت پیش روی تراکتور و مقاومت کششی ادوات یا لغزش چرخ ها می باشد. پژوهندگان بسیاری تلاش

نموده اند تا روابط لازم بین این پارامترها را به منظور بهینه سازی عملکرد کششی تعیین نمایند (۷، ۸، ۱۴ و ۱۶).

دامیر و ویلانز (۷) تأثیر ترکیبات گوناگونی از بار محوری و سرعت پیش روی را بر بازده کششی مورد بررسی قرار دادند، و به این نتیجه رسیدند که در محدوده ای از سرعت پیش روی که برای انجام عملیات خاک ورزی توصیه گردیده است، در نسبت وزن به توان محوری (0.59 kN/kW)، بازده کششی بهینه می گردد. در پژوهش دیگری، جی-کلاف و همکاران (۹)، با استفاده از نتایج آزمایش هایی که در ۱۷۰ مزرعه در شرایط خاک های انگلیس انجام گردید، مدلی تجربی برای تخمین عملکرد کششی تراکتورهای دو چرخ محرک معرفی نمودند. این مدل توسط محمود و جی-کلاف (۱۲) برای تخمین بازده کششی تراکتورهای مورد استفاده در شرایط کشاورزی پاکستان به کار رفت، و آنان بازده کششی تراکتورها را در شرایط آن کشور حدود ۳۰ درصد گزارش کردند. لغوی و شاکر (۱۱) با استفاده از همین مدل، عملکرد کششی سه نوع تراکتور متداول در منطقه زرقان فارس (مسی فرگوسن ۲۸۵، یونیورسال ۶۵۰ و جان دیر ۳۱۴۰) را بررسی نموده و میانگین تلفات قدرت در تبدیل توان محوری به توان مال بندی را به طور میانگین ۵۷٪ برآورد نمودند. ملاصادقی (۵) میزان اعتبار این مدل را در پیش بینی بازده کششی تراکتورها در شرایط خاک های لومرسی شنی استان فارس با اندازه گیری مستقیم مقاومت کششی ادوات، مقاومت غلتشی و درصد لغزش چرخ ها، و سپس محاسبه بازده کششی مورد بررسی قرار داد. وی دریافت که این مدل بازده کششی تراکتورهای یونیورسال ۶۵۰ را در حدود ۸ درصد، و از آن فرگوسن ۲۸۵ را برحسب آن که چرخ های محرک آن با آب سنگین شده و یا نشده باشد، به ترتیب ۱۵/۶ و ۳۵ درصد کمتر از مقدار واقعی برآورد می نماید.

مدلی توسط ولف و همکاران (۱۵) برای پیش بینی عملکرد کششی چرخ های محرک تراکتور در خاک های در شرایط سخت (در شرایطی که شاخص مخروطی خاک بزرگ تر از ۱/۴ مگا پاسکال بوده و یا عمق فرورفتگی چرخ در خاک کوچک تر از

ارتفاع آج لاستیک باشد) ارائه گردیده است. این مدل بر پایه تجزیه و تحلیل تنش‌های برشی و عمودی در صفحه تماس بین لاستیک و خاک استوار بوده، و علاوه بر مقاومت برشی خاک، انعطاف‌پذیری آج‌های لاستیک را نیز در پیش‌بینی شاخص‌های عملکرد کششی ملحوظ می‌دارد. اعتبار این مدل با مقایسه نتایج حاصل از آزمون مزرعه‌ای، با استفاده از دستگاه آزمایشنده کشش چرخ (Wheel traction tester) و مقادیر پیش‌بینی شده توسط مدل ارزیابی گردید. نتایج این ارزیابی حاکی از تخمین مناسب شاخص‌های عملکرد کششی در شرایط خاک سخت بوده است. به نظر می‌رسد این مدل بتواند عملکرد کششی تراکتورها را در شرایط خاک‌های ایران، که عموماً به علت فقر مواد آلی و کمی رطوبت در ردیف خاک‌های سخت قرار می‌گیرند (۲)، با درجه اعتبار بالاتری پیش‌بینی نماید، ولی تاکنون اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است.

در مورد ارزیابی عملکرد کششی تراکتورهای متداول در ایران پژوهش‌هایی انجام گردیده است، که از آن جمله می‌توان به بررسی تأثیر عواملی نظیر بار عمودی وارد بر محور محرک، فشار باد لاستیک و عمق شخم بر میزان لغزش چرخ‌های محرک تراکتورهای جان‌دیر ۲۰۴۰، مسی فرگوسن ۲۸۵ و یونیورسال ۶۵۰ توسط الماسی و همکاران (۱) اشاره نمود، که نشان داده است در مجموع تراکتور یونیورسال ۶۵۰ با میانگین لغزش چرخ ۱۱/۸ درصد، کمترین و مناسب‌ترین میزان لغزش را داشته است.

در پژوهش دیگری توسط معصومی و لغوی (۴)، عملکرد کششی تراکتورهای مسی فرگوسن ۲۸۵ و یونیورسال ۶۵۰ در اجرای عملیات خاک‌ورزی به وسیله گاواهن‌های برگردان‌دار و قلمی ارزیابی و مقایسه گردید. در این پژوهش لغزش چرخ‌های محرک، میزان مصرف سوخت و ظرفیت مزرعه‌ای در عملیات خاک‌ورزی به عنوان شاخص‌هایی از عملکرد کششی اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که تراکتور مسی فرگوسن در مقایسه با یونیورسال دارای لغزش چرخ و مصرف سوخت بیشتر و ظرفیت مزرعه‌ای کمتری بود. عملکرد کششی ضعیف

تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵، به رغم توان لگامی بالاتر آن، ناشی از وزن کمتر، کوتاه‌تر بودن فاصله دو محور و بیشتر بودن فشار باد چرخ‌های محرک آن تشخیص داده شد.

در دو پژوهش اخیر، بازده کششی تراکتورها، که مهم‌ترین شاخص عملکرد کششی محسوب می‌شود، مستقیماً اندازه‌گیری و مقایسه نگردیده است، بلکه پارامترهایی که بر بازده کششی مؤثرند، نظیر لغزش چرخ یا بار وارد بر محورها، مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهش لغوی و شاکر (۱۱) نیز همان گونه که قبلاً ذکر گردید، بازده کششی تراکتورها با استفاده از مدل به دست آمده در شرایط خاک کشورهای اروپایی برآورد گردیده است، که لزوماً با شرایط خاک‌های ایران سازگاری ندارد. بنابراین، در این پژوهش با اندازه‌گیری مستقیم نیروی کشش مال‌بند با مقاومت غلتشی و درصد لغزش چرخ‌های محرک تراکتور، بازده کششی تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ در دو وضعیت سنگین‌سازی شده و نشده، و تراکتور یونیورسال ۶۵۰ در اجرای عملیات شخم توسط گاواهن برگردان‌دار، در سه سطح از عمق شخم ارزیابی و مقایسه گردیده است. در این بررسی از تراکتور یونیورسال ۶۵۰ بدون سنگین‌سازی چرخ‌های محرک استفاده گردید، زیرا در پژوهش‌های قبلی (۱ و ۴) درصد لغزش چرخ‌های محرک و عملکرد کششی آن در حالت سنگین نشده نیز در حد مطلوب گزارش گردیده است.

مواد و روش‌ها

آزمون‌های مزرعه‌ای در ایستگاه پژوهشی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز (باجگاه)، در ۱۶ کیلومتری شمال غربی شیراز اجرا گردید. گندم آبی آخرین محصول کشت شده در زمین محل اجرای طرح بود، که پس از برداشت آن با کمباین، کاه و بقایای گیاهی توسط ماشین بسته‌بندی علفه جمع‌آوری و پس‌ماند آن در حد ممکن سوزانده شده بود. بافت خاک لوم‌رسی‌شنی، و شیب زمین در دو جهت طولی و عرضی در حدود دو در هزار بود.

در این پژوهش از آزمایش فاکتوریل، در چارچوب طرح

بلوک‌های کامل تصادفی با ۹ تیمار (سه نوع یا حالت تراکتور × سه عمق شخم) در سه تکرار استفاده گردید. میانگین رطوبت خاک در عمق صفر تا ۳۰ سانتی‌متری در حدود ۱۸ درصد، بر مبنای وزن خشک، در کلیه پلات‌ها ثابت بود. در این آزمون تأثیر دو متغیر مستقل، یکی نوع یا حالت تراکتور، شامل تراکتور یونیورسال ۶۵۰ در وضعیت استاندارد توصیه شده و تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ در وضعیت عادی (بدون سنگین‌سازی چرخ‌ها) و در وضعیت سنگین‌سازی شده (پرنمودن چرخ‌های محرک با آب نمک)، و دیگری عمق شخم در سه محدوده ۱۰-۱۵ سانتی‌متری (سطحی)، ۱۵-۲۰ سانتی‌متری (متوسط) و ۲۰-۲۵ سانتی‌متری (عمیق) بر بازده کشتی تراکتورها به عنوان متغیر وابسته، بررسی گردید.

پارامترهای اصلی مورد اندازه‌گیری در طی آزمون‌ها عبارت بودند از، نیروی کشتی مال‌بندی، نیروی مقاومت غلتشی چرخ‌های تراکتور، و درصد لغزش چرخ‌های محرک. آزمایش‌ها در طول ۲۷ کرت هر یک به طول ۱۵۰ متر و عرض چهار متر اجرا گردید. هر دو تراکتور عمر کاری نسبتاً مشابهی داشتند، و مجهز به لاستیک‌های چرخ‌های عقب از نوع معمولی و دارای آج‌های سالم بودند. فشار باد لاستیک‌ها بر اساس توصیه کارخانه سازنده، در مورد تراکتور یونیورسال ۶۵۰ برابر با ۹۵ کیلو پاسکال، و در مورد تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵، در هر دو وضعیت بارگذاری، برابر با ۷۰ کیلو پاسکال بود. برای سنگین‌سازی لاستیک‌های تراکتور مسی فرگوسن، ۷۵ درصد حجم داخلی لاستیک با محلول آب نمک با غلظت وزنی ۳۰ درصد پر گردید.

گاوا آهن مورد استفاده یک دستگاه گاوا آهن برگردان‌دار سه خیش، با عرض مؤثر ۱۱۰ سانتی‌متر بود. برای تثبیت عمق شخم‌های مورد نظر در طول کرت‌های آزمایشی، از چرخ تنظیم عمق استفاده گردید، و پیش از آغاز آزمایش تنظیم‌های طولی و عرضی با دقت انجام شد.

برای اندازه‌گیری نیروی کشتی مال‌بندی و مقاومت غلتشی تراکتور از روش کشتی دو تراکتوری و استفاده از دینامومتر

مال‌بندی بر طبق روش (Regional Network for Agricultural Machinery) استفاده گردید. چگونگی اجرای این روش توسط لغوی و اشرفی‌زاده (۳) گزارش شده است. دینامومتر به کار رفته یک دستگاه لودسل فشاری مدل CLP-5B مجهز به مانیتور دیجیتال بود، که روی یک قاب مثلثی قابل اتصال به بازوهای تراکتور کشنده سوار می‌شد. نیروی کشتی مال‌بندی با استفاده از اهرم‌بندی خاصی به صورت یک نیروی فشاری معادل بر لودسل اعمال می‌گردید. با توجه به تغییرات شدید و سریع مقاومت کشتی ادوات، در طول هر کرت بیش از چهل داده ثبت، و میانگین آنها به عنوان مقاومت کشتی کرت منظور شد.

درصد لغزش چرخ‌های محرک به روش استاندارد RNAM و استفاده از رابطه ۱ تعیین گردید.

$$S(\%) = [(A - B) / A] \times 100 \quad [1]$$

در این رابطه $S(\%)$ درصد لغزش چرخ محرک، A مسافت طی شده در گردش مقدار معینی (۱۰ دور) از دوران چرخ محرک در حالت بدون بار کشتی، و B مسافت طی شده در گردش همان تعداد دوران چرخ محرک در زیر بار می‌باشد. برای تعیین سرعت پیش‌روی واقعی تراکتور در حین شخم، زمان پیمودن مسافت توسط کروномتر اندازه‌گیری، و با تقسیم مسافت بر زمان، سرعت پیش‌روی محاسبه گردید. با توجه به این که در این آزمایش، سرعت پارامتری ثابت در نظر گرفته شده بود، و با توجه به محدودیت سرعت در اجرای شخم عمیق، در کلیه تیمارها دنده انتخابی برای پیش‌روی دنده دو سنگین انتخاب، و دور موتور با اهرم گاز دستی در حدود دور متعارف (۱۸۰۰ و ۲۰۰۰ دور دقیقه به ترتیب برای تراکتورهای یونیورسال و مسی فرگوسن) نگاه داشته شد. میانگین سرعت پیش‌روی در کلیه تیمارها در حدود چهار کیلومتر در ساعت بود، که سرعت معمول در اجرای عملیات شخم با گاوا آهن برگردان‌دار در شرایط خاک‌های ایران می‌باشد.

با استفاده از مقادیر به دست آمده برای نیروی کشتی ناخالص (P+R)، مقاومت غلتشی چرخ‌های تراکتور (R) و

درصد لغزش چرخ‌های محرک (S)، و به کارگیری رابطه ۲، بازده کششی (T.E.) که عبارت است از نسبت توان مال‌بندی به توان محوری چرخ‌های محرک، برای هر آزمایش محاسبه گردید (۱۰).

$$T.E. = [P / (P + R)] (1 - S) \quad [۲]$$

در این رابطه S به صورت اعشاری وارد می‌شود.

نتایج حاصل بر مبنای آزمایش فاکتوریل و با استفاده از آنالیز واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، و مقایسه میانگین‌های مقاومت غلتشی، درصد لغزش چرخ‌های محرک و بازده کششی تراکتورها در سطوح مختلف عمق شخم به روش دانکن و با کمک نرم‌افزار MSTATC انجام گردید.

نتایج و بحث

نتایج حاصل از تجزیه واریانس آثار اصلی و متقابل نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم بر مقاومت غلتشی، درصد لغزش چرخ‌های محرک و بازده کششی تراکتورها در جدول ۱ ارائه گردیده است.

مقاومت غلتشی

نتایج نشان می‌دهد که عامل نوع یا حالت تراکتور اثر معنی‌داری بر نیروی مقاومت غلتشی به جای گذاشته است. به سخن دیگر، نوع یا حالت تراکتور با احتمال ۹۵ درصد بر میزان نیروی مقاومت غلتشی تراکتور مؤثر است، در حالی که عامل عمق شخم اثر معنی‌داری را بر مقاومت غلتشی نشان نمی‌دهد. با توجه به اندازه‌گیری مقاومت غلتشی در حالتی که گاواهن خارج از خاک قرار دارد، معنی‌دار نبودن اثر عمق شخم بر مقاومت غلتشی بدیهی به نظر می‌رسد. تأثیری که عمق شخم بر نیروی مقاومت غلتشی ممکن است داشته باشد، از آن جا ناشی می‌شود که با افزایش عمق شخم (که منجر به افزایش مقاومت کششی می‌گردد)، پدیده انتقال وزن واقع شده و سهم بیشتری از وزن تراکتور بر محور چرخ‌های محرک (عقب) اعمال می‌گردد. این امر گرچه منجر به افزایش مقاومت غلتشی چرخ‌های عقب

می‌گردد، ولی از آن جا که تقریباً همین وزن از روی محور چرخ‌های جلو برداشته می‌شود، نیروی مقاومت غلتشی آنها کاهش یافته، و در نهایت تغییر چندانی در مقاومت غلتشی کل تراکتور حاصل نمی‌گردد.

مقایسه میانگین‌های مقاومت غلتشی در سطوح مختلف نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم با استفاده از آزمون چند دامنه‌ای دانکن (جدول ۲)، نشان می‌دهد که پر نمودن لاستیک تراکتور مسی فرگوسن از آب نمک، موجب افزایش معنی‌دار مقاومت غلتشی آن گردیده است. این پدیده ناشی از تأثیر افزایش بار عمودی چرخ بر مقاومت غلتشی آن می‌باشد، زیرا بر اساس بررسی‌های تجربی و روابط ارائه شده برای محاسبه مقاومت غلتشی (۱۳)، این نیرو با بار عمودی وارد بر چرخ نسبت مستقیم دارد. نکته شایان توجه دیگر در جدول ۲، نبود اختلاف معنی‌دار بین مقاومت غلتشی تراکتور مسی فرگوسن در حالت سنگین شده، و تراکتور یونیورسال، به رغم وجود اختلاف در میزان بار عمودی وارد بر محورهای محرک آن دو می‌باشد (۲۹/۱ و ۳۱/۸ کیلونیوتن، به ترتیب برای تراکتورهای مسی فرگوسن سنگین شده و یونیورسال). این پدیده را می‌توان ناشی از تفاوت در ابعاد فیزیکی چرخ‌های محرک آنها دانست، به نحوی که تراکتور یونیورسال، به دلیل دارا بودن لاستیک‌های قطورتر (در نتیجه طول تماس بزرگ‌تر) از تراکتور مسی فرگوسن (به ترتیب ۱/۵۷ و ۱/۴۶ متر)، به رغم بزرگ‌تر بودن بار عمودی آن، دارای مقاومت غلتشی یکسان با تراکتور مسی فرگوسن می‌باشد. به سخن دیگر، کاهش مقاومت غلتشی ناشی از قطورتر بودن چرخ‌ها (۱۳)، افزایش مقاومت غلتشی ناشی از بزرگ‌تر بودن بار عمودی محور را خنثی نموده است.

لغزش چرخ‌های محرک

جدول ۱ گویای معنی‌دار بودن آثار اصلی هر دو فاکتور نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم، و اثر متقابل آنها بر لغزش چرخ‌های محرک در سطح احتمال ۱٪ می‌باشد. جدول ۳ مقایسه میانگین‌های درصد لغزش چرخ‌های محرک را در

جدول ۱. میانگین مربعات آثار اصلی و متقابل نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم بر مقاومت غلشی، درصد لغزش چرخ‌های محرک و بازده کششی تراکتور

منابع تغییر	درجات آزادی	میانگین مربعات		
		مقاومت غلشی	درصد لغزش	بازده کششی
تراکتور (T)	۲	۰/۱۵*	۴۸۸/۲۴**	۲۶۵/۸۸**
عمق شخم (D)	۲	۰/۰۲ ^{ns}	۹۸۰/۱۹**	۴۸۷/۶۲**
اثر متقابل (T×D)	۴	۰/۰۱ ^{ns}	۱۸۷/۸۲**	۱۵۴/۴۹**
خطای آزمایش	۱۶	۰/۰۹	۴/۰۱	۳/۷۴

*, **, ns به ترتیب معنی‌دار در سطح ۰/۵٪، ۱٪ و غیر معنی‌دار.

جدول ۲. مقایسه میانگین‌های مقاومت غلشی (بر حسب کیلونیوتن) در سطوح مختلف نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم

نوع یا حالت تراکتور	عمق شخم (سانتی‌متر)			
	(۱۵-۱۰)	(۲۰-۱۵)	(۲۵-۲۰)	میانگین X
مسی فرگوسن ۲۸۵ (سنگین نشده)	۱/۹۹ ^b	۱/۸۳ ^b	۱/۸۴ ^b	۱/۸۹ ^B
مسی فرگوسن ۲۸۵ (سنگین شده)	۲/۳۶ ^a	۲/۲۹ ^a	۲/۳۲ ^a	۲/۳۲ ^A
یونیورسال ۶۵۰	۲/۲۹ ^a	۲/۲۸ ^a	۲/۲۳ ^a	۲/۲۷ ^A
میانگین X	۲/۲۲ ^A	۲/۱۳ ^A	۲/۱۳ ^A	

میانگین‌هایی که با حروف کوچک مشترک نشان داده شده‌اند دارای اختلاف معنی‌دار نمی‌باشند (دانکن ۰/۵٪).

میانگین‌های X که با حروف بزرگ مشترک نشان داده شده‌اند دارای اختلاف معنی‌دار نمی‌باشند (دانکن ۰/۵٪).

جدول ۳. مقایسه میانگین‌های لغزش چرخ‌های محرک (درصد) در سطوح مختلف نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم

نوع یا حالت تراکتور	عمق شخم (سانتی‌متر)			
	(۱۵-۱۰)	(۲۰-۱۵)	(۲۵-۲۰)	میانگین X
مسی فرگوسن ۲۸۵ (سنگین نشده)	۱۱/۰ ^{ef}	۲۲/۳ ^c	۴۸/۱ ^a	۲۷/۱ ^A
مسی فرگوسن ۲۸۵ (سنگین شده)	۱۰/۰ ^f	۱۵/۹ ^{dc}	۲۷/۳ ^b	۱۷/۷ ^B
یونیورسال ۶۵۰	۹/۷ ^f	۱/۷ ^{def}	۱۶/۵ ^d	۱۲/۶ ^C
میانگین X	۱۰/۲ ^C	۱۶/۶ ^B	۳۰/۶ ^A	

میانگین‌هایی که با حروف کوچک مشترک نشان داده شده‌اند دارای اختلاف معنی‌دار نمی‌باشند (دانکن ۰/۵٪).

میانگین‌های X که با حروف بزرگ مشترک نشان داده شده‌اند دارای اختلاف معنی‌دار نمی‌باشند (دانکن ۰/۵٪).

محرک را داشته‌اند. تراکتور مسی فرگوسن سنگین شده با میانگین ۱۷/۷٪ به طور معنی‌داری کمتر از حالت سنگین نشده آن و بیشتر از تراکتور یونیورسال لغزش چرخ داشته است. عامل اصلی این پدیده را می‌توان تفاوت بار وارد بر محورهای محرک

سطوح مختلف نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم، با استفاده از آزمون دانکن در سطح ۱٪ نشان می‌دهد. تراکتور مسی فرگوسن سنگین نشده با میانگین لغزش ۲۷٪ بیشترین، و تراکتور یونیورسال با میانگین لغزش ۱۲/۶٪ کمترین لغزش چرخ‌های

(عقب) این تراکتورها (به ترتیب ۲۵، ۲۹/۱ و ۳۱/۸ کیلونیوتن برای تراکتورهای مسی فرگوسن سنگین نشده، سنگین شده و یونیورسال) دانست.

اختلاف میانگین‌های لغزش چرخ‌های محرک در سطوح مختلف عمق شخم نیز با احتمال ۹۹٪ معنی‌دار است، به طوری که در عمق شخم سطحی (۱۰-۱۵ سانتی‌متر) کمترین لغزش (۱۰/۲٪) و در شخم عمیق (۲۰-۲۵ سانتی‌متر) بیشترین مقدار لغزش (۳۰/۶٪) واقع گردیده است. نیاز تراکتور به نیروی گیرایی (Traction) بالاتر چرخ با خاک با افزایش عمق شخم و افزایش درصد لغزش چرخ‌های محرک با افزایش نیروی گیرایی مورد نیاز (۱۳) توجیه کننده این پدیده می‌باشد. جدول ۳ نشان می‌دهد که در شخم سطحی درصد لغزش در هر سه نوع یا حالت تراکتور یکسان بوده، ولی با افزایش عمق شخم تفاوت‌ها مشخص‌تر گردیده و در شخم عمیق بسیار معنی‌دار شده است. به سخن دیگر، تأثیر نوع یا حالت تراکتور بر درصد لغزش چرخ در سطوح مختلف عمق شخم یکسان نبوده و این امر نشان دهنده وجود اثر متقابل عمق شخم و نوع تراکتور است. این پدیده را می‌توان ناشی از تفاوت تراکتورها در بار محوری و طول تماس چرخ‌های محرک با خاک دانست. این دو عامل موجب می‌گردند ظرفیت ایجاد نیروی گیرایی تراکتورها متفاوت باشد، به طوری که در شخم سطحی و تا حدودی متوسط، ظرفیت کشش تراکتورها با مقاومت کششی گاواهن انطباق مناسب داشته و لغزش در حد متعارف باشد. با افزایش بیشتر عمق شخم، در مورد تراکتور مسی فرگوسن این تعادل به هم خورده، به طوری که ظرفیت ایجاد نیروی گیرایی چرخ‌ها جوابگوی کشش مال‌بندی مورد نیاز نبوده و در نتیجه لغزش چرخ به شدت افزایش می‌یابد.

جدول ۳ هم‌چنین نشان می‌دهد تراکتور مسی فرگوسن در هر دو حالت، به هنگام افزایش عمق شخم از سطحی به متوسط، و سپس به عمیق، با افزایش معنی‌داری در درصد لغزش چرخ‌های محرک مواجه گردیده است. این در حالی است که در تراکتور یونیورسال با همین تغییرات عمق شخم،

افزایش معنی‌داری در لغزش چرخ‌ها به وجود نیامده است. این پدیده گویای برتری تراکتور یونیورسال نسبت به فرگوسن از لحاظ پایداری در کشش (Lugging ability) می‌باشد.

نکته شایان توجه این که در اجرای شخم سطحی، سنگین نمودن چرخ‌های تراکتور مسی فرگوسن منجر به تغییر معنی‌داری در درصد لغزش آن نگردیده است. این پدیده نشان می‌دهد که این تراکتور در اجرای شخم سطحی نیازی به سنگین کردن چرخ‌ها ندارد. دیگر این که، هر دو تراکتور در شخم سطحی دارای میزان لغزشی در حد توصیه شده (۱۰ تا ۱۵ درصد) می‌باشند (۱۳). در حالی که در شخم متوسط تنها تراکتور یونیورسال این حد از لغزش را حفظ نموده است، و تراکتور مسی فرگوسی در هر دو حالت بارگذاری با لغزشی بیش از مقدار توصیه شده رو به رو بوده است. در شخم عمیق، در حالی که لغزش تراکتور یونیورسال اندکی از حد توصیه شده فراتر رفته است، تراکتور مسی فرگوسن در هر دو حالت درصد لغزشی حدود ۲ تا ۳ برابر حد قابل قبول داشته است که فرسایش شدید لاستیک و تخریب ساختمان خاک از جمله عواقب نامطلوب آن می‌باشد. این نتایج نشان می‌دهد که تراکتور مسی فرگوسن حتی با سنگین نمودن چرخ‌های محرک نیز قابل رقابت با تراکتور یونیورسال در اجرای شخم عمیق نبوده است.

بازده کششی

نتایج تجزیه واریانس آثار اصلی و متقابل نوع و حالت تراکتور و عمق شخم بر بازده کششی تراکتورها (جدول ۱) نشان می‌دهد که آثار اصلی هر دو فاکتور و اثر متقابل آن دو بر بازده کششی، در سطح احتمال ۱٪ معنی‌دار می‌باشد. در جدول ۴ میانگین بازده کششی تراکتورها در سطوح مختلف نوع یا حالت، و هم‌چنین عمق شخم با استفاده از آزمون دانکن در سطح احتمال ۱٪ مقایسه گردیده است. چنان که دیده می‌شود بیشترین بازده کششی مربوط به تراکتور یونیورسال و کمترین آن مربوط به تراکتور فرگوسن در حالت سنگین نشده است. بازده کششی تراکتور فرگوسن سنگین شده با میانگین ۶۹/۴٪ به

جدول ۴. مقایسه میانگین‌های بازده کششی تراکتور (درصد) در سطوح مختلف نوع یا حالت تراکتور و عمق شخم

نوع یا حالت تراکتور	عمق شخم (سانتی‌متر)			
	(۱۵-۱۰)	(۲۰-۱۵)	(۲۵-۲۰)	میانگین X
مسی فرگوسن ۲۸۵ (سنگین نشده)	۷۵/۳ ^a	۶۷/۶ ^b	۴۶/۱ ^d	۶۳/۰ ^c
مسی فرگوسن ۲۸۵ (سنگین شده)	۷۴/۴ ^a	۷/۸ ^{ab}	۶۲/۹ ^b	۶۹/۴ ^B
یونیورسال ۶۵۰	۷۵/۱ ^a	۷۳/۵ ^a	۷۲/۸ ^a	۷۳/۸ ^A
میانگین x	۷۵ ^A	۷۰/۶ ^B	۶۰/۶ ^C	

میانگین‌هایی که با حروف کوچک مشترک نشان داده شده‌اند دارای اختلاف معنی‌دار نمی‌باشند (دانکن ۰/۵٪).

میانگین‌های X که با حروف بزرگ مشترک نشان داده شده‌اند دارای اختلاف معنی‌دار نمی‌باشند (دانکن ۰/۵٪).

متوسط (۱۰-۲۰ سانتی‌متر) و تراکتور یونیورسال تا شرایط شخم عمیق (۲۰-۲۵ سانتی‌متر) بازده کششی خود را بدون کاهش معنی‌دار حفظ می‌نمایند. این در حالی است که بازده کششی تراکتور مسی فرگوسن سنگین نشده با افزایش عمق شخم، به ویژه با رسیدن به شرایط شخم عمیق، به شدت کاهش یافته و به حدود ۴۶٪، که بازده بسیار نامطلوبی است، کاهش می‌یابد.

خاک‌های ایران عموماً به واسطه کمبود مواد آلی و قرار گرفتن در منطقه نیمه خشک، شرایط خاک‌های سخت را در عملیات خاک‌ورزی دارا می‌باشند، و بازده کششی بهینه برای خاک‌های سخت حدود ۷۰٪ توصیه گردیده است (۱۶). ارقام جدول ۴ نشان می‌دهد که تراکتور مسی فرگوسن ۲۸۵ سنگین نشده تنها در اجرای شخم سطحی (کار کششی سبک) و در حالت سنگین‌سازی شده در اجرای شخم‌های سطحی و متوسط دارای بازده کششی مطلوب می‌باشد. در حالی که تراکتور یونیورسال ۶۵۰ در اجرای شخم‌های عمیق (تا ۲۵ سانتی‌متر) نیز از بازده کششی مطلوبی برخوردار است.

طور معنی‌داری بزرگ‌تر از حالت سنگین نشده آن (۶۳٪) و کوچک‌تر از تراکتور یونیورسال (۷۳/۸٪) است. این پدیده را با توجه به نتایج قبلی، می‌توان به روند تغییرات درصد لغزش چرخ‌های محرک این تراکتور نسبت داد. تراکتور یونیورسال که بیشترین بازده کششی را با کمترین میانگین درصد لغزش نشان می‌دهد، دارای بیشترین بار (۳۱/۸ کیلو نیوتن) روی محور محرک بوده، و تراکتور مسی فرگوسن سنگین نشده که کمترین بازده کششی با بیشترین میانگین درصد لغزش را دارد، کمترین بار (۲۵ کیلو نیوتن) وارد بر محور چرخ‌های محرک را تحمل می‌نماید. جدول ۴ هم‌چنین کاهش معنی‌دار بازده کششی را با افزایش عمق شخم نشان می‌دهد، که این روند نیز با توجه به افزایش معنی‌دار درصد لغزش با افزایش عمق شخم (جدول ۳) منطقی می‌باشد.

از نکات شایان توجه جدول ۴ معنی‌دار نبودن اختلاف بازده کششی سه نوع یا حالت تراکتور در اجرای شخم سطحی است، که در این حالت هر سه دارای بازده کششی زیاد و مطلوب می‌باشند. تراکتور مسی فرگوسن سنگین شده تا شرایط شخم

منابع مورد استفاده

۱. الماسی، م.، ه. بهرامی و م. ج. شیخ داوودی. ۱۳۶۹. اندازه‌گیری و مقایسه درصد لغزش چرخ‌های محرک (عقب) تراکتورهای متداول در خوزستان. مجله علمی کشاورزی ۱۴ (۱ و ۲): ۱۰۳-۱۱۶.
۲. کلباسی، م. ۱۳۷۵. وضعیت مواد آلی در خاک‌های ایران و نقش کمبود کمپوست. خلاصه مجموعه مقالات پنجمین کنگره علوم خاک ایران، آموزشکده کشاورزی کرج، ۱۰ تا ۱۳ شهریور.

۳. لغوی، م. و س. ر. اشرفی زاده. ۱۳۷۶. مقاومت کششی، مقاومت ویژه و توان مال‌بندی مورد نیاز گاواهن قلمی (چیزل) در سطوح مختلف رطوبت خاک و عمق شخم. علوم کشاورزی و منابع طبیعی ۱(۲): ۸۵-۹۶.
۴. معصومی، ا. و م. لغوی. ۱۳۷۳. ارزیابی عملکرد کششی دو نوع تراکتور متداول در ایران. تحقیقات کشاورزی ایران ۱۳(۲): ۷۷-۹۵.
۵. ملاصادقی رکن‌آبادی، ا. ۱۳۷۸. ارزیابی و مقایسه بازده کششی دو تراکتور میان قدرت متداول در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مکانیک ماشین‌های کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
6. Burt, E. C., P. W. L. Lyne, P. Meiring and J. F. Keen. 1983. Ballast and inflation effects on tire efficiency. Trans. ASAE 26(5): 1352-1357.
7. Domier, K. W. and A. E. Willans. 1977. Maximum or optimum tractive efficiency? ASAE Paper No. 77-1053. Annual meeting of the ASAE, NC, USA.
8. Dwyer, M. J. 1978. Maximizing agricultural tractor performance by matching weight tire size and speed to the power available. Proc. 6th Int. Conf. Terrian-Vehicle System, Vienna.
9. Gee-Clough, D., M. McAllister, M. Pearson and D. W. Evernden. 1978. The empirical prediction of tractor-implement field performance. J. Terramechanics 15: 81-94.
10. Liljedahl, J. B., W. M. Carleton, P. K. Turnquist and D. W. Smith. 1989. Tractors and Their Power Units. 4th ed., John Wiley & Sons, New York.
11. Loghavi, M. and M. Shaaker. 1999. Field tractive performance of three popular two-wheel drive tractors in Iran. Iran Agric. Res. 18: 41-54.
12. Mahmood, N. and D. Gee-Clough. 1989. Field performance of tractors in Pakiston. AMA. 20(4): 46-68.
13. Mckyes, E. 1985. Soil Cutting and Tillage. Elsevier Science Publisher, Amsterdam.
14. Wismer, R. D. and H. J. Luth. 1973. Off-road traction prediction for wheeled vehicles. J. Terramechanics 10: 49-62.
15. Wolf, D., I. Shmulevich and U. Mussel. 1996. Wheel traction prediction on hard soil. Trans. ASAE 39(4): 1275-1283.
16. Zoz, F. M. 1972. Predicting tractor field performance. Trans. ASAE 15(2): 249-255.